

نیم‌نگاهی به پدیده‌ی تکدی‌گری زنان مهاجر

زن مهاجر

در سرایشی آسیب‌های اجتماعی

● دکتر ژاله شادی‌طلب: کجاست قانونی که از حقوق کودکان دفاع کند؟ کجاست سازمانی که به آن زن ایراد بگیرد و در صورت لزوم از حقوق‌اش دفاع کند؟

● محمود رحمانی، حقوق‌دان: متأسفانه در سطح کشور اقدام قاطعی برای برخورد با زنان ولگرد یا گدایانی که ممر درآمد ندارند و الزاماً به سوی تکدی‌گری یا فحشا می‌روند، صورت نمی‌گیرد.

چرا روستاییان به شهرها مهاجرت می‌کنند؟ به اعتقاد کارشناسان، افزایش جمعیت، مشکلات کمبود زمین، نبود امکانات رفاهی، فقر و محرومیت، تقسیم زمین‌های زراعی به قطعات کوچک‌تر، کمبود آب زراعتی، بی‌سوادی، پایین بودن سطح دانش و بینش روستاییان، اختلاف میان مالک و رعیت، نبود نهادهای اجتماعی، آموزشی و بهداشتی، نبود تضمین محصولات کشاورزی و... از علل مهاجرت روستاییان به شهرهاست.

اما این عوامل، تمام علت‌های موجود پدیده‌ی مهاجرت نیست. گذشته از عوامل مهاجرت، این که پس از ورود به شهرهای بزرگ چه بر سر مهاجران می‌آید نیز قابل بررسی است. به عبارت دیگر لازم است پژوهشگران در مورد مهاجرت ناشی از مهاجرت کار کنند تا همزمان با پیشگیری از وقوع بی‌رویه‌ی این پدیده در آینده، تبعات مهاجرت‌های کنونی نیز مهار شود.

هدف از تهیه‌ی این گزارش، بررسی وضعیت زنان مهاجر پس از ورود به شهرهاست. اما همان‌طور که می‌دانید مهاجرت زنان زیر مجموعه‌ای است از مهاجرت مردان و زنان - خانواده‌ها - به شهرهای بزرگ و چون وضعیت این گروه به طور کلی مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است، آگاهی یافتن از وضعیت زنان مهاجر که بنا به عرف جامعه همیشه در حاشیه و کم‌تر مورد توجه بوده‌اند مشکل‌تر است. مهاجران پیر و جوان، زن و مرد خطرهای ناشی از آوارگی و غربت را به جان می‌خرند و روانه‌ی شهرهای بزرگ می‌شوند اما در شهرها چه چیزی در انتظار آنان است؟ آیا زندگی در شهر آسان‌تر است؟ شهر چه امکاناتی در اختیار آنان می‌گذارد؟ چه سازمانی مسئول مهار مهاجرت از روستاها به شهرهاست؟ مهاجران پس از ورود به شهرها در کجا اسکان می‌یابند؟ چگونه جذب بازار کار می‌شوند و در

صورتی که جذب بازار کار نشوند چه سازمانی، مسئول خدمات رسانی به آن‌هاست؟

همه‌ی این موارد و ده‌ها مورد دیگر، پرسش‌هایی است که در لابه‌لای متون و مستطوری پژوهش‌های مربوط به مهاجرت بی‌پاسخ مانده است. هدف از طرح و تهیه‌ی این گزارش، بررسی پیامدهای مهاجرت، به ویژه مهاجرت زنان به شهرهای بزرگ است، اما برای جست‌وجو هرچه پیش‌تر رفتم، بررسی مهاجرت زنان را از همه‌ی ابعاد، بیرون از توان یک گزارشگر تنها و یک متن گزارش یافتم.

بدیهی‌ست که مهاجرت‌های بی‌رویه، مشکل‌های بسیاری را برای خود مهاجران به‌وجود می‌آورد. زندگی خانه به‌دوشی، اختلاف‌های فردی و خانوادگی؛ از هم پاشیدگی نظام خانواده، تکدی‌گری، غربت، بی‌کاری، فحشا، دزدی، قاچاق، بیماری‌های روانی، آسیب‌های مختلف اجتماعی و فردی... برخی از مشکل‌های ناشی از مهاجرت به شهرهای بزرگ است و همه‌ی این‌ها غیر از مشکل‌هایی‌ست که از قبل مهاجرت آنان، برای دولت و کشور به‌وجود می‌آید.

در مدت تهیه‌ی این گزارش که به دلیل تهی بودن کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی از منابع مورد نیاز در این باره و پشت‌گوش‌اندازی و بی‌اعتنایی‌های برخی از مسئولان مربوطه با مشکل‌های بسیاری روبه‌رو بودم، دریافتم که حتا رشد و توسعه‌ی نهادهای مختلف اجتماعی زنان - در سال‌های اخیر - نیز نتوانسته توجه دست‌اندرکاران را به سوی این پدیده‌ی فزونی‌یابنده و مهار آن جلب کند.

حقوق زنان در این شماره با طرح مشکل زنان مهاجر نیم‌نگاهی به پدیده‌ی تکدی‌گری زنان می‌افکند.

□□□

زنان متکدی، علل مهاجرت خود را جست‌وجوی کار، فقر اقتصادی و همراهی با همسر می‌دانند. آنان در جست‌وجوی زندگی بهتر با همسرانشان روانه‌ی



شهرها می‌شوند اما بر اثر بی‌مکانی، نداشتن شغل، فقر و محرومیت‌های ناشی از آن، رمز و راز تکدی را می‌آموزند و در تهران می‌مانند.

گفتنی‌ست که براساس تحقیقی که دکتر باقر ساروخانی درباره‌ی متکدیان شهر تهران انجام داد، تنها ۱۵/۳ درصد از متکدیان در تهران به دنیا آمده‌اند و ۸۲/۵ درصد آنان از مناطق دیگر، به شهرها مهاجرت کرده‌اند.

یکی از این زنان که در میدان انقلاب به گدایی نشسته و دختر بچه‌ی کوچکی در کنارش است، می‌گوید: «من و بچه‌ها چندروزه اومدیم تهرون. اما شوهرم سال‌هاست که تو تهرون کار می‌کنه. فلجه و سیگار می‌فروشه. ما تو ماهشهر زندگی می‌کردیم. سیل اومد و خانه‌مون رو خراب کرد. شوهرم برای کار به تهرون اومد. ما هم دیگه از تنهایی خسته شدیم، به تهرون اومدیم.»

در حالی که به دختر کوچکش اشاره می‌کند، می‌گوید: «پنج تا بچه دارم، این آخرینم. همه به مدرسه می‌رن و عصرها هم نون خشک جمع می‌کنن اما این یکی مدرسه نرفت. خوب درس نمی‌خوونه. هر روز معلمش متو می‌خواست و شکایت می‌کرد. به خدا خودش نمی‌خواد مدرسه بره و گرنه من حرفی ندارم.»

از او می‌پرسیم: «کجا زندگی می‌کنید؟» می‌گوید: «میدون غار، اتاق کوچکی اجاره کردیم که خیلی هم کثیفه. ۱۵ هزار تومان اجاره می‌دیم. پس فردا هم باید اجاره‌ی خوونه بدیم. برای همین اومدم این‌جا و کار می‌کنم! وگرنه من هر روز نمی‌آم.»

چند دقیقه‌ای است که زن جوان بارداری را که اسپند به دست دارد و لابه‌لای ماشین‌ها سلاته سلاته می‌چرخد، زیر نظر گرفتیم. به محض سبز شدن چراغ به سرعت خودش را به یک طرف خیابان می‌رساند. می‌پرسیم: «چرا گدایی می‌کنی؟»

می‌گوید: «این که گدایی نیست کار می‌کنم.» از جواب دادن طفره می‌رود. اسکناسی را درون کاسه‌اش می‌اندازم. می‌گوید: «از اطراف مشهد اومدم، به بچه دارم و این که در شکم وول می‌خوره دومی‌ها»

بچه‌ی پنج ساله‌اش هم گدایی می‌کند. ناچار است. شوهرش به جرم اعتیاد در زندان است ولی به زودی آزاد می‌شود. نمی‌گوید کجا زندگی می‌کند و با کی؟ فقط می‌گوید روزی‌اش را خدا می‌رساند! چراغ قرمز شده است. به وسط خیابان می‌رود و اسپند دود می‌کند و این بار که چراغ سبز می‌شود، دیگر به طرف من نمی‌آید.

در بررسی تکدی زنان مهاجر به عنوان پدیده‌ای اجتماعی باید همه‌ی ابعاد و زمینه‌های موجود را در نظر بگیریم. تکدی زنان در گوشه و کنار شهرهای بزرگ، زنگ خطر است برای همه‌ی مردم و مسئولان. به گفته‌ی دکتر باقر ساروخانی، تکدی‌گری



● براساس تحقیقی که دکتر باقر ساروخانی درباره‌ی متکدیان شهر تهران انجام داد، ۸۲/۵ درصد متکدیان از مناطق دیگر، به شهرها مهاجرت کرده‌اند.

زنان همواره با پدیده‌هایی مثل طلاق، تنهایی، جدایی و بی‌پناهی همراه است. در صورتی که متکدیان جوان باشند، آفت‌های خاصی متوجه متکدی‌ست و در صورتی که متکدیان پیر باشند، مسئولیت دولت در نگهداری آنان بیش‌تر احساس می‌شود.

دکتر ژاله شادی طلب، جامعه‌شناس، بخشی از تکدی زنان را مربوط به فقر عمومی آنان می‌داند و با اشاره به شعار بین‌المللی فقر چهاره‌ای زنانه دارد می‌گوید: «روند افزایش زنان سرپرست خانوار یکی از پدیده‌هایی‌ست که به معضل فقر دامن می‌زند. بی‌سرپرست بودن خانوار یا به این معناست که در چنین خانواده‌هایی مردی به عنوان همسر وجود ندارد یا این که مرد خانواده به دلایلی آن‌ها را ترک می‌کند یا برای کار به محل دیگری مهاجرت می‌کند.» وی با اشاره به روند افزایش زنان سرپرست خانوار ادامه می‌دهد: «از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ آمار زنان سرپرست خانوار از ۷۰۰ هزار نفر، به یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر رسیده است، یعنی چهار میلیون نفر زیر چتر این یک میلیون زن زندگی می‌کنند. البته این معضل همه‌ی زنان کشورهای جهان سوم است که با افزایش مهاجرت مردان، چه مهاجرت‌های فصلی و چه مهاجرت‌های طولانی

مدت، زنان سرپرست خانوار عملاً دچار مشکلات زیادی می‌شوند. طبیعتاً این سؤال مطرح می‌شود که زنان سرپرست خانوار از چه امکاناتی برخوردارند و دولت و سازمان‌های مسئول چه امکاناتی برای آنان در نظر می‌گیرند؟ معمولاً کمک به این زنان در حد کمک‌های کم‌مقیاسی امداد یا بنیاد شهید است و اگر خود این زنان توانی برای امرار معاش نداشته باشند، خانواده از نظر مالی به شدت در مضیقه قرار می‌گیرد. و چون از سوی سازمان‌های حمایتی کمکی به آن‌ها تزریق نمی‌شود یا آن قدر کم است که دردی از آن‌ها دوا نمی‌کند، زنان به خیابان‌ها می‌آیند.

اما گروهی از زنان استعمار می‌شوند. به این معنا که در واقع مردی به عنوان همسر در خانه وجود دارد اما به دلیل این که نمی‌خواهد کار کند یا کار دلخواهش را پیدا نمی‌کند، زن را وادار به تکدی‌گری و یا کارهایی هم‌ردیف آن می‌کند. کارهایی مثل دستفروشی، اسپند دود کردن و... در این صورت است که زن استعمار می‌شود. طبیعتاً این کار نوعی انحراف و جرم است. اگرچه این حالت، کم‌کم برای زنان هم عادت می‌شود ولی بعید می‌دانم که زنی از انجام این گونه کارها راضی باشد.

در هر حال تکدی‌گری به هر شکلی که باشد نشان دهنده‌ی ضعف قانونی و انحرافی و از هنجارهای اجتماعی‌ست.»

دکتر شادی‌طلب با اشاره به این که در مورد حقوق زنان بیش از آن که عمل کرده باشیم شعار داده‌ایم، می‌گوید: «اگر نگران زشت شدن چهره‌ی شهر هستیم، باید زنان و کودکانی که در جای جای شهر آواره‌اند و به تکدی مشغول، جمع‌آوری کنیم. وقتی زنی بچه‌ای را در پیاده رو می‌خواباند قطعاً ماده‌ی مخدری به او می‌خوراند که آن کودک ساعت‌ها تکان نمی‌خورد. کجاست قانونی که از حقوق کودک دفاع کند؟ کجاست سازمانی که به آن زن ایراد بگیرد و در صورت لزوم از حقوق‌اش دفاع کند؟»

به اعتقاد وی تکدی زنان در تهران یا هر شهر دیگری ناشی از فقر و استعمار زنان است، چرا که زنان بهتر از مردان می‌توانند جلب توجه و ترحم کنند. همان‌طور که بچه‌ها بهتر از زنان این کار را انجام می‌دهند.

وی می‌افزاید: «با همه‌ی مشکلات موجود در کشور، در سطح محدودی تجربه‌های موفق و مؤثری نیز داشته‌ایم. برای مثال بانک کشاورزی طی سال‌های گذشته وامی ۵۰ هزار تومانی را به خانواده‌های روستایی می‌داد که به تازگی به ۱۵۰ هزار تومان رسیده است. تقریباً حدود ۵۰ هزار زن از این وام‌ها برخوردار شدند و ارزیابی بانک نشان داده که با وجود آن که اعتبار اختصاص داده شده به این کار، بسیار کم بوده اما بر وضعیت اقتصادی زنان سرپرست خانواده تاثیر مستقیمی گذاشته است.

عین همین کار را گرامین بانک در بنگلادش و

طرح اختیار در مالزی انجام داده است و نشان داده که تأمین منابع درآمدزا حتماً مشکل بسیاری از زنان فقیر را حل کرده است.

چرا سازمان‌های مسئول ما به بهانه‌ی نداشتن بودجه و ضعف امکانات مالی از این افراد حمایت نمی‌کنند؟ ما می‌توانیم مانند بانک کشاورزی به‌دنبال طرح اعتبارهای خرد برویم. ایراد کار ما این جاست که فکر می‌کنیم همه‌ی کارها را دولت باید انجام دهد. تا کی می‌توان به این روش ادامه داد؟

شادی طلب با اشاره به نقش سازمان‌های حمایتی در این باره می‌گوید: متأسفانه توزیع از طریق کمیته‌ی امداد مشکلی را حل نمی‌کند و بهتر است کارهای اساسی‌تری برای کمک به خانواده‌های فقیر، به ویژه زنان سرپرست خانواده انجام دهیم. یکی از این کارها می‌تواند آموزش اشتغال به کارهای درآمدزا به زنان باشد.

وی همچنین به سازمان بهزیستی کشور اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر سازمان بهزیستی کارش را خوب انجام نمی‌دهد، به خاطر نداشتن بودجه‌ی کافی است و متأسفانه تصمیم‌گیری‌ها در مجلس نیز جناحی است. چرا از بودجه‌ی سازمان بهزیستی هر سال کم می‌کنند و به کمیته‌ی امداد اختصاص می‌دهند؟ زمانی که کمیته‌ی امداد به دستور حضرت امام خمینی تأسیس شد، با هدف جلب کمک‌های مالی از سوی بازاری‌ها و مردم نیکوکار بود. کمیته‌ی امداد سازمانی غیردولتی است، بنابراین بودجه‌ای به آن تعلق نمی‌گیرد، در واقع این سازمان، سهم سازمان بهزیستی را می‌گیرد و طبیعی است که نمی‌تواند به وظیفه‌اش عمل کند. اگر قرار است حتماً در این مورد نیز جناحی عمل شود و بهزیستی کار کرد خودش را نداشته باشد بهتر است حذف کنند و یا با سازمان دیگری ادغام کنند ولی یقیناً این به نفع اجتماع نخواهد بود که سازمانی را که در این گونه کارها تخصص دارد و اصولاً برای این کار به وجود آمده از صحنه حذف و یا روز به روز تضعیف کنند. از طرفی بهزیستی خود قابل انتقاد است که چرا کارشناسان و متخصصانش فکر نو ارائه نمی‌دهند و در وظیفه‌ای که به عهده گرفته‌اند، بسیار منفعلانه عمل می‌کنند. بهزیستی باید به‌دنبال فکرها، تازه باشد و از راه سیستم بانکی به زنان منابعی بدهد تا آن‌ها بتوانند روی پای خود بایستند. ضد ارزش نشان دادن تکدی بر عهده‌ی رسانه‌هاست و بخشی از آن وظیفه‌ی سازمان‌های متولی است.»

وظایف و مسئولیت‌های سازمان بهزیستی، شهرداری و نیروی انتظامی در برابر متکدیان به موجب تبصره‌ی ۱ ماده واحده‌ی لایحه‌ی قانونی تشکیل سازمان بهزیستی کشور، مورخ ۵۹/۴/۲۵ وظیفه‌ی حمایت از مستمندان و خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند و نگاه‌داری و بازپروری این افراد به سازمان بهزیستی واگذار شده است.

● در قانون مجازات اسلامی آمده است که هر کس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله‌ی تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به حبس و استرداد کلیه‌ی اموال به دست آمده از طریق مذکور، محکوم خواهد شد.

متنی ماده واحده به شرح زیر است: «در جهت تحقق مفاد اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تأمین موجبات برنامه‌ریزی، هماهنگی، نظارت و ارزش‌یابی و تهیه‌ی هنجارها و استانداردهای خدماتی و توسعه‌ی دامنه‌ی اجرای برنامه‌های بهزیستی، در زمینه‌ی حمایت خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند و ارائه‌ی خدمات مختلف به کودکان و تدارک امکانات پیشگیری و درمانی و توانبخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلولین جسمی و روانی و تجدید تربیت منحرفین اجتماعی و حمایت و نگاه‌داری از کودکان و اطفال بی‌سرپرست، معلولین غیرقابل توانبخشی و سالمندان نیازمند و آموزش نیروی انسانی خدمات بهزیستی و توانبخشی و تأمین موجبات تشویق، جلب مشارکت و فعالیت گروه‌های داوطلب و مؤسسات غیردولتی، سازمان بهزیستی کشور تشکیل می‌شود.»

براساس دستورالعملی اجرایی این ماده واحده، حمایت از افراد و خانواده‌های نیازمند و بی‌سرپرست

● محمود رحمانی: متأسفانه بیش‌تر دختران آواره‌ای که از مناطق محروم به تهران می‌آیند، در بدو ورود از ولگردی و گدایی شروع می‌کنند تا به محیط بزهکاری سوق داده می‌شوند.

به عهده‌ی سازمان بهزیستی کشور گذاشته شده است که شامل زنان بیوه، سالمندان، زنان و دختران بی‌سرپرست، کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست، خانواده‌های بی‌سرپرست و افراد از کار افتاده می‌شود.

همچنین براساس قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست، مورخ ۷۱/۸/۲۴ مصوب مجلس شورای اسلامی به سازمان بهزیستی کشور مأموریت داده شد تا کودکان، زنان و دخترانی را که به هر جهت بی‌سرپرست هستند، این سازمان تحت تکفل و حمایت قرار دهد.

در ماده‌ی یکم این قانون آمده است: «به پیروی از تعالیم عالی‌ه اسلام در جهت حفظ شئون و حقوق اجتماعی زن و کودک بی‌سرپرست و زدودن آثار فقر از جامعه اسلامی و به منظور اجرای قسمتی از اصل ۲۱ قانون اساسی زنان و کودکان بی‌سرپرست که تحت قوانین حمایتی دیگری نیستند از حمایت‌های مقرر در این قانون بهره‌مند خواهند شد.»

و در ماده‌ی دوم بیوه زنان، زنان پیر و سالخورده



● به موجب قانون، وظیفه‌ی حمایت از مستمندان و خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند و نگهداری و بازپروری این افراد به سازمان بهزیستی واگذار شده است.

و سایر زنان و دختران بی‌سرپرست به عنوان شمولان این قانون معرفی می‌شوند.

و اما از بررسی وظایف وزارت بهداشت و درمان چنین استنباط می‌شود که برخی وظایف معین شده برای این وزارتخانه به افراد بی‌سرپرست که یکی از مصداق آن متکدیان هستند، مربوط می‌شود. لازم به یادآوری نیست که سازمان بهزیستی یکی از زیرمجموعه‌های وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی است. بنابراین نقش این وزارتخانه، در کار سیدگی به متکدیان قابل توجه است.

بند‌های نه و ده این ماده، در وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی آمده است: تأمین و ارائه خدمات لازم به معلولین جسمی، ذهنی و اجتماعی قابل توانبخشی در حدود امکانات، تشویق و ترغیب افراد خیر و مؤسسات خصوصی جهت اقدام حمایتی برای کودکان در سنین قبل از بیست‌سالگی و سالمندان و خانواده‌ها و افراد بی‌سرپرست نیازمند و معلولین جسمی، ذهنی و اجتماعی غیرقابل توانبخشی و ارائه این خدمات در موارد ضروری توسط مؤسسات دولتی و نظارت بر این اقدامات.

همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، براساس قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست، مصوب ۱۳۷۱، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان بهزیستی به نحوی درگیر نگهداری حمایت از افراد بی‌سرپرست هستند. و مشمولان این قانون، زنان بیوه، زنان پیر و سالخورده، زنان دختران بی‌سرپرست و کودکان بی‌سرپرست هستند.

ماده‌ی چهار، حمایت‌های این قانون را به شرح زیر تعریف کرده است: ۱- حمایت‌های مالی، شامل تهیه‌ی وسایل و امکانات خودکفایی یا مقرری نقدی و غیرنقدی به صورت نوبتی یا مستمر. ۲- حمایت‌های فرهنگی، اجتماعی شامل ارائه‌ی خدماتی نظیر خدمات آموزشی، تربیتی، کاریابی، آموزش حرفه و فن جهت ایجاد اشتغال، خدمات مشاوره‌ای و سدکاری جهت رفع مسائل و مشکلات زندگی شمولان و به‌وجود آوردن زمینه ازدواج و تشکیل خانواده. ۳- نگهداری روزانه یا شبانه روزی کودکان و زنان سالمند بی‌سرپرست در واحدهای بهزیستی با اِگذارِی سرپرستی و نگهداری این‌گونه کودکان و

● دکتر ژاله شادی طلب: در ظرف ده سال آمار زنان سرپرست خانوار از ۷۰۰ هزار نفر، به یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر رسیده است.

زنان به افراد واجد شرایط.

اگر چه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان بهزیستی برای نگهداری و بازپروری متکدیان و ولگردان به طور صریح مسئولیت ندارند ولی به دلیل این که بخش اعظم متکدیان و ولگردان را معلولان جسمی، ذهنی و اجتماعی یا زنان بیوه، زنان پیر و سالخورده، زنان ویژه، زنان و کودکان بی‌سرپرست، خانواده‌های بی‌سرپرست و افراد از کار افتاده تشکیل می‌دهند، وزارت بهداشت و سازمان بهزیستی موظف هستند این افراد را نه به عنوان متکدی بلکه به عنوان معلول جسمی، ذهنی یا بی‌سرپرست و از کار افتاده، زیر حمایت‌های مالی، فرهنگی، اجتماعی و خدمات توانبخشی قرار دهند. در این صورت، بخش اعظم مشکلات ناشی از متکدیان که در جامعه پراکنده‌اند حل می‌شود.

و اما در مورد متکدیانی که دارای شرایط لازم برای دریافت حمایت‌ها نیستند و جزء متکدی حرفه‌ای به شمار می‌روند و بنا به ویژگی‌ها و خصوصیات شایعی به تکدی‌گری دست می‌زنند، براساس ماده‌ی ۷۱۲ و ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی با آن‌ها برخورد خواهد شد. براساس این مواد قانونی، گدایی جرم مشهود است و از آنجا که نیروی انتظامی، ضابط قضایی است پس موظف است که با جرم مشهود برخورد کند.

ماده‌ی ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی، چنین می‌گوید: «هرکس تکدی یا کلاشی را پیشه‌ی خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش کند یا ولگردی نماید به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود، علاوه بر مجازات مذکور کلیه‌ی اموالی که از طریق تکدی و کلاشی به دست آورده است مصادره خواهد شد.»

ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی نیز چنین می‌گوید: «هرکس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده محکوم خواهد شد. در مورد وظایف شهرداری‌ها در مورد متکدیان نیز می‌توان به بند پنج از ماده‌ی ۵۵ قانون شهرداری‌ها

اشاره کرد. این ماده‌ی قانونی جلوگیری از گدایی و واداشتن گدایان به کار و توسعه‌ی آموزش عمومی را به عهده‌ی شهرداری گذاشته است.»

براساس تبصره‌ی یکم بند دوم ماده‌ی ۵۵ قانون شهرداری‌ها «سد معابر عمومی و اشغال پیاده‌روها و استفاده غیرمجاز آن‌ها از میدان‌ها و پارک‌ها و باغ‌های عمومی برای کسب و یا سکنی و یا هر عنوان دیگر ممنوع است و شهرداری مکلف است از آن جلوگیری و در رفع موانع موجود و آزاد نمودن معابر امکان مذکور به وسیله مأموران خود راساً اقدام کند.»

و همه‌ی ما می‌دانیم که یکی از مشکل‌هایی که متکدیان و ولگردان در سطح معابر عمومی به‌وجود می‌آورند، ایجاد ناهنجاری و بهم خوردن چهره‌ی شهرهاست، و شهرداری‌ها مکلفند با توجه به این بند از آن جلوگیری کنند.

قوانین حقوقی در باره‌ی ولگردی و تکدی چه می‌گویند؟

محمود رحمانی - حقوقدان - می‌گوید: «در کشورمان قوانینی درباره‌ی ولگردی و تکدی وجود دارد که پس از انقلاب نسخ نشده است. ماده‌ی ۲۷۶ قانون مجازات عمومی درباره‌ی ولگردی به شرح زیر است: «نسبت به کلیه‌ی امور خلافی از قبیل عدم رعایت نظامات راجعه به بلدیة و نظمیه ... همچنین راجع به ولگردی و گدایی و فحاشی و استعمال الفاظ رکیکه در معابر عمومی و امثال آنان وزارت داخله نظامنامه تهیه نموده و مقرر آن با تصویب وزارت عدلیه به مورد اجرا گذاشته می‌شود که به موجب این نظامنامه، مجازات گدایی حداقل یک روز حبس و سه قران غرامت و حداکثر آن یک هفته حبس و پنج تومان غرامت بوده است که با توجه به ماده ۱۲ اصلاحی (۱۳۵۲/۲/۲) قانون مجازات عمومی مجازات جزای نقدی از ۲۰۰ ریال تا پنج هزار ریال بوده است.»

همچنین ماده‌ی ۲۷۳ قانون مجازات عمومی ایران اصلاحی (۱۳۲۲/۵/۴) درباره‌ی ولگردی این گونه مقرر می‌دارد: «کسانی که وسیله‌ی معاش معلوم ندارند و از روی بی‌بیدی و تنبلی در صدد تهیه‌ی کار برای خود بر نمی‌آیند ولگرد محسوب می‌شوند و ولگردی خلاف و مجازات آن مطابق باب چهارم قانون کیفر عمومی است.»

و در ماده‌ی ۲۷۳ مکرر (الحاقی ۱۳۲۲/۵/۴) آمده است: «دولت مکلف است اشخاص مذکور در ماده‌ی ۲۷۳ را به کار مناسب وادار نماید و در صورتی که از قبول کار امتناع کنند و یا برای طفره از کار فرار کنند به حبس جنحه‌ای از ۱۱ روز تا سه ماه محکوم می‌شوند.»

در باره‌ی اقدام‌های تأمین‌ی سالی آزاد و نگهداری مجرمان بی‌کار و ولگرد در کارگاه‌های کشاورزی و صنعتی، دربند اول ماده‌ی شش قانون اقدام‌های تأمین‌ی مصوب ۱۳۳۱/۲/۱۲ آمده است: «هرگاه کسی مرتکب جنحه و جنایتی گردد که

مسئول مددکاری اداری سرپرستی قوه قضاییه جمع آوری متکدیان به هیج وجه نیروی انتظامی و وظایف اداری سرپرستی قوه قضاییه نیست

کارشناس سازمان بهزیستی
ما نمی توانیم به خیابان ها برویم
و به زور جلوی افراد را بگیریم
به آن ها کمک کنیم

در صورتی که...
در صورتی که...
در صورتی که...

و معنوی دولت، می توانند سرو سامان بگیرند و در مسیر ناهنجاری ها و آفت های اجتماعی قرار نگیرند. رحمانی در بررسی وضعیت زنان و دختران آوارهای که از روستاها یا مناطق محروم کشور به تهران می آیند، می گوید: «اختلاف سنی زیاد زوجین و مرگ و میر ناشی از آن، تعدد زوجات، طلاق، اختلافات خانوادگی، تبعیض و... از دلایل فرار دختران و زنان جوان از قانون خانواده است و متأسفانه بیش تر آنان از نظر اخلاقی به تباهی و انحراف کشانده می شوند. این زنان در آغاز ورود به شهرهای بزرگ از ولگردی و گدایی شروع می کنند تا به محیط بزهکاری سوق داده می شوند. اگر دولت، زیر نظارت ریاست جمهوری کمیته های پرورشی و تربیتی تشکیل دهد و با استفاده از قوه اجرایی وزارت کشور و سازمان بهزیستی و شهرداری این افراد را جمع کند و در مراکز کارآموزی و بازپروری، شرایط بازگشت آن ها را به خانواده فراهم کند، گام بسیار بزرگی برای حل مشکلات جامعه برداشته شده است.»

مجازات قانونی آن حبس باشد، دادگاه می تواند ضمن حکم مجازات در صورت وجود شرایط ذیل مجازات معین درباره ی او را بلا اجرا گذاشته و دستور نگهداری او را در یک کارگاه کشاورزی یا صنعتی برای مدت نامعینی بدهد. در صورتی که فاعل شخص ولگردیست و یا از راه فحشاء یا تکدی و یا نظایر آن امرار معاش می کرده و ارتکاب جرم ناشی از این طرز زندگی او باشد مشمول مجازات می شود.

همچنین دولت و سازمان های مربوطه می توانند با تمهیداتی ریشه ی بسیاری از بزهکاری ها را بخشکانند. از جمله افزایش دواپر مددکاری و روان درمانی در روستاها و آموزش دهی به روستاییان درباره ی: ۱- نحوه ی جلوگیری از بارداری و کنترل جمعیت. ۲- افزایش مراکز مشاوره ی خانوادگی در سطح مدارس و راهنمایی نوجوانان و جوانان برای جلوگیری از ازدواج های زودرس. ۳- افسزودن برنامه های آموزشی برای خانواده ها و جوانان از طریق رسانه های گروهی و افزایش تبلیغات مذهبی برای تزکیه روح نوجوانان. ۴- کاستن فاصله ی طبقاتی با ارائه ی خدمات به شهر و روستا و افزایش امکانات رفاهی در مناطق محروم. ۵- ایجاد مراکز اشتغالزا و حرفه آموزی برای زنانی که هیچ گونه پناهگاهی ندارند و فقدان نفقه یا بی سرپرستی موجب سقوط آنان خواهد شد.

و سپس توضیح می دهد که اگر در مدت آزادی مشروط مجرم دوباره به تکدی یا ولگردی یا فحشاء بپردازد و یا بی کار بماند و با اخطار دادگاه صادر کننده ی حکم آزادی مشروط تغییر رویه ندهد، دادگاه حکم به بازگرداندن او به کارگاه یا اجرای مجازات خواهد داد.

چگونه خلاهای قانونی را پر کنیم؟
برای پرسش از چندو چون وظایف شهرداری و بهزیستی درباره ی متکدیان به سراغ آنان رفتیم. کارشناس سازمان بهزیستی چنین پاسخ داد: «طبق قانون، اداره ی سرپرستی نیروی انتظامی مسئول جمع آوری متکدیان از سطح شهر است.

از دیگر قوانینی که محمود رحمانی - حقوقدان - به آن اشاره می کند، مواد ۷۱۲ و ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی است که در بخش مربوط به بررسی وظایف نیروی انتظامی آورده ایم. رحمانی با اشاره به این که زنان، بخش عمده ای از متکدیان را در جامعه تشکیل می دهند و درست اجرا نشدن قوانین یکی از عللی است که زنان را به سوی تکدی گری سوق می دهد، می گوید: «بنابر اصل ۲۱ قانون اساسی، دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند.» در بند چهارم این قانون آمده است: «ایجاد بیمه ی خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست یا دولت است.»

متأسفانه در سطح کشور اقدام های کافی برای اجرای این بند از قانون اساسی صورت نگرفته است. همچنین در برخورد با زنان ولگرد یا گدایانی که ممر درآمد ندارند و الزاماً به سوی تکدی گری یا فحشاء می روند، اقدام قاطعی صورت نمی گیرد.

آن ها موظفند متکدیان را جمع آوری و به بهزیستی ارجاع دهند. ما نمی توانیم به خیابان ها برویم و به زور جلوی افراد را بگیریم و به آن ها کمک کنیم. نیروی انتظامی اصولاً اداره ی به نام اداره ی سرپرستی ندارد و این اداره زیر پوشش قوه قضاییه است و کارکرد دیگری دارد. البته بگذریم از این که مسئول روابط عمومی نیروی انتظامی نیز این را نمی دانست و همین جا لازم است بگویم متأسفانه نیروی انتظامی نیز به درخواست ها و تماس های مکررمان درباره ی وظایفش نسبت به متکدیان پاسخی نداد.

در مراجعه به اداره ی قوه قضاییه، خانم **صادقی** مسئول مددکاری آن اداره گفت: «وظیفه ی اداره ی سرپرستی قوه قضاییه این است که به کار افراد مهجور و صغیر که به ما مراجعه می کنند، رسیدگی کند و امر جمع آوری متکدیان به هیچ وجه در حوزه ی وظایفش نیست.»

وی گفت: «در حال حاضر جمع آوری موقتی متکدیان به عهده ی استانداری تهران است.»

یکی از کارشناسان امور اجتماعی شهرداری تهران نیز با وجود درخواست های مکرر برای ملاقات یا تماس تلفنی ضمن آن که قانون را در تفویض اختیار نسبت به جمع آوری متکدیان از سطح شهر به سازمان مشخصی مبهم دانست، نسبت به رفع ابهام، توسط مراجع قانونگزاری اظهار امیدواری کرد و گفت: «طبق قانون فقط مسئولیت جلوگیری از تکدی به عهده ی شهرداری است.»

وی جلوگیری از تکدی را به معنی پراکنده کردن متکدیان از سطح شهر دانست و در پاسخ به این که آیا در حال حاضر شهرداری به این وظیفه اش به خوبی عمل می کند، پاسخ مثبت داد.

یکی از کارشناسان امور اجتماعی استانداری تهران درباره ی وظیفه مند بودن شهرداری ها، نیروی انتظامی و سازمان بهزیستی چنین گفت: «ما درباره ی متکدیان خلاهای قانونی و اجرایی داریم. قانون به طور واضح و روشن نمی گوید که چه کسی مسئول است؟ چه کسی متولی رسیدگی به متکدیان است؟ اگر متکدیان شاید هستند آیا زندان های جداگانه برایشان داریم؟ آیا در زندان هایمان توانایی و امکانات نگهداری از آنان را داریم؟ آیا در کشورمان دستگاهی که حداقل معاش را تأمین کند وجود دارد یا خیر؟»

کارشناس استانداری تهران:
 به طور واضح و روشن
 می گوید که چه کسی مسئول
 است؟ چه کسی متولی رسیدگی
 به متکدیان است؟ ما درباره ی
 متکدیان خلاهای قانونی و
 برای داریم.

● همیشه فقر به گدایی
 نمی انجامد بسیاری از فقرا برای
 رفع نیاز تلاش می کنند و در
 بدترین شرایط تن به تکدی
 نمی دهند.

● کارشناس امور اجتماعی
 شهرداری تهران: طبق قانون فقط
 مسئولیت جلوگیری از تکدی به
 عده ی شهرداری است.

برسانند. و مقام قضایی نیز بر حسب نظریه ی پزشکی قانونی، حکم تحویل ایشان را صادر کند و توسط نیروی انتظامی آنان را به مراکز مربوطه تحویل دهند. بنابراین ضرورت تأسیس مراکز نگهداری موقت بین بهزیستی و حوزه ی انتظامی بیش تر آشکار می شود. با توجه به گردش کارها به روانی که ذکر شد، این افراد باید مدتی در مقر حوزه ی فرماندهی نگهداری شوند. از طرفی توجه به وضعیت خاص جسمانی این افراد به خصوص روانی ها و سالمندان و نیازمندی آنان به امکانات بهداشتی خاص، ضرورت این امر را بیش تر می کند.

وی اضافه می کند: طی این مدت نیز استانداری تهران از اردوگاه کهریزک به همین منظور استفاده کرده است. در پاییز و زمستان با برقراری گشت های جمع آوری از ساعت هفت شب تا دوی یامداد آن ها را گرد می آورد. حاصل سه سال اجرای طرح جمع آوری متکدیان و ولگردان، باقی ماندن حدود ۲۰۰ نفر در اردوگاه کهریزک است که قریب ۱۷۰ نفر آنان روانی و حدود ۳۰ نفر سالمند و معلول و هر دو گروه بی خانمان و فاقد ولی و مسئول هستند.

وی می افزاید: همزمان با این طرح، برنامه ی تعیین متولی قانونی برای متکدیان پیگیری می شود که در حوزه ی معاونت پارلمانی ریاست جمهوری در دست اقدام است.

و سخن آخر آن که لازمه ی بررسی تکدی به عنوان پدیده ای اجتماعی، دقت و توجه به همه ی ابعاد آن است.

تکدی دارای ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، روانی، فرهنگی و اجتماعی است. از سوی دیگر باید میان فقر و گدایی تمیز قائل شد. همیشه فقر به گدایی نمی انجامد. بسیاری از فقرا برای رفع نیاز تلاش می کنند و در بدترین شرایط تن به تکدی نمی دهند.

در هر صورت نمی توان انتظار داشت تکدی از جامعه ای رخت برینند، بدون آن که به این پدیده از همه ی ابعاد توجه شود. همه ی سازمان ها باید دست به دست هم بدهند، قوانین باید اجرا شوند و از همه مهم تر امکانات اجرای قانون وجود داشته باشد. گاهی برای اجرای قانون به خصوص در سطح کلان به امکانات مادی، زیر بنایی، مالی و سیاست گذاری های اصولی نیازمندیم تا به ورطه ی بی قانونی کشیده نشویم. □

شروع کرد و قرار بود مسئولیت امر هم بر عهده ی ستادی متشکل از کمیته ی امداد، بهزیستی، نیروی انتظامی، دستگاه قضایی، شهرداری، هلال احمر، دانشگاه های پزشکی تهران، ایران و شهید بهشتی باشد که متأسفانه همه دستگاه های مربوطه آن چنان که باید همکاری نکردند. فقط کمیته ی امداد امام خمینی همکاری زیادی با ما داشته و همه ماهه مبلغ دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان کمک نقدی می کرد و تا مدتی قبل هم هزینه های درمان متکدیان را می پرداخت که بنا به علی پرداخت کمک هزینه ی درمانی قطع شد. سایر مراکز نیز همکاری بسیار ضعیفی داشتند البته ناگفته نماند که شرکت توسعه ی فضا های سبز شهرداری، دو ماهی می شود که مبلغ دو میلیون تومان کمک می کند. معاونت اجتماعی شهرداری نیز در ابتدای طرح، مبلغ ۳۰ میلیون تومان کمک کرد.

وی ادامه می دهد: براساس مقررات موجود، نیروی انتظامی موظف است متکدیان را جمع آوری کند و به مقام قضایی معرفی کند. مقام قضایی نیز وضعیت جسمانی و روانی این افراد را از پزشکی قانونی استعلام کند و سپس نیروی انتظامی نسبت به انتقال این افراد به پزشکی قانونی و دریافت جواب استعلام اقدام کرده و پاسخ را به اطلاع مقام قضایی

وی به چهره ی زشت و ناهنجار حضور متکدیان در شهر اشاره می کند و می گوید: از سه سال پیش وزارت کشور به استانداری دستور داد تا به صلاح دیدهای دیپلماتیک چهره ی شهر را از حضور متکدیان پاک کند. به مراجع مربوطه نامه نوشتیم. شهرداری با استناد به قانون گفت: «وظیفه ی ما نیست». بهزیستی نیز شانه از بار مسئولیت خالی کرد البته با استناد به قانون! هر دو نامه را به معاونت امور حقوقی مجلس و ریاست جمهوری فرستادیم و گفتیم: «اگر قوانین فعلی گویا نیست. لایحه ی جدید به تصویب برسانید». شش ماه گذشت جلسه ای تشکیل دادند و تصمیم گرفتند در استانداری ستادی مرکب از دستگاه های مربوطه که مسئول جمع آوری و نگهداری متکدیان هستند، تشکیل شود. متأسفانه طرح جمع آوری متکدیان که با دستیابی به اهداف دیپلماتیک شروع شده بود، به جایی نرسید، اما موجب شد تا طرح دیگری را پیگیری کنیم. نهاد ریاست جمهوری، پیش نویس لایحه ی ایجاد کانون مبارزه با تکدی و ولگردی و حمایت از نیازمندان واقعی را تنظیم کرد و ما نیز آن را تأیید کردیم. اما اجرای این طرح نیازمند اعتبارهای زیادی است و هنوز به نتیجه ی نهایی نرسیده ایم.

وی همچنین افزود: استانداری تهران از سال ۱۳۷۲ به دستور وزیر کشور جمع آوری متکدیان را

